

مبارزه با لیبرالیسم

مائو تسه دون





مبارزه با لیبرالیسم

مائو تسه دون

مبارزه با لیبرالیسم

ما طرفدار مبارزه‌ی فعال ایدئولوژیک هستیم، زیرا این مبارزه سلاحی است که وحدت را در درون حزب و سازمان‌های انقلابی به سود پیکار ما تضمین می‌کند. این سلاح را هر کمونیست و هر انقلابی باید به دست گیرد.

اما لیبرالیسم مبارزه‌ی ایدئولوژیک را رد می‌کند و صلح و آرامش غیراصولی را توصیه می‌نماید و از این رو موجب پیدایش شیوه‌ی عمل منحط و مبتذل می‌گردد و در حزب و سازمان‌های انقلابی بعضی از واحدها و افراد را به فساد سیاسی می‌کشاند.

لیبرالیسم خود را همواره به اشکال گوناگون نشان می‌دهد:

چشم‌پوشی از حقایق برای حفظ صلح و دوستی با شخصی که کاملاً واضح است خطا کرده، از بحث اصولی با او اجتناب کردن فقط به این دلیل که او یک آشنای قدیمی، یک همشهری، همکلاسی، یک دوست صمیمی، یکی از عزیزان، یک همکار یا زیردست قدیمی است، یا به خاطر حفظ مناسبات حسنه به جای برخورد ریشه‌ای به مسائل با آنها به طور سطحی برخورد کردن، نتیجه این خواهد شد که هم جمع لطمه ببیند و هم شخص مورد نظر. این است اولین شکل ظهور لیبرالیسم.

مبارزه با لیبرالیسم

به جای ارائه‌ی فعالانه‌ی پیشنهادات به تشکیلات، در خلوت انتقاد غیرمسئولانه کردن. نظرات خود را درباره اشخاص در حضورشان مطرح نکردن ولی پشت سر آن‌ها حرف زدن؛ از صحبت در جلسات خودداری نمودن، ولی پس از جلسه پرحرفی کردن. نسبت به اصول زندگی جمعی بی‌اعتنا بودن و خود را به ولنگاری و بی‌بندوباری عادت دادن. این است دومین شکل ظهور لیبرالیسم.

هرکاری که به شخص خود مربوط نباشد را به دست پیش‌آمدها سپردن؛ در صورت وقوف کامل به نادرستی مطلبی، تا حد امکان از اظهارنظر درباره‌ی آن خودداری کردن. رندانه درصدد حفظ و نگاه‌داری خود برآمدن و فقط شخص خود را از ارتکاب به اشتباه مصون نگاه‌داشتن. این است سومین شکل ظهور لیبرالیسم.

از دستورات اطاعت نکردن اما نظرات خود را بر آن‌ها ارجح دانستن؛ انتظار توجه مخصوص از تشکیلات داشتن اما انضباط تشکیلاتی را رد کردن. این است چهارمین شکل ظهور لیبرالیسم.

به حملات شخصی روی آوردن، دعوا و مرافعه راه انداختن کینه و دشمنی خود را بیرون ریختن و انتقام‌جویی کردن، به جای این که به خاطر وحدت پیشرفت

مبارزه با لیبرالیسم

یا به نظم و ترتیب درآوردن کارها به بحث و جدل پرداختن و علیه نظرات نادرست مبارزه کردن. این است پنجمین شکل ظهور لیبرالیسم.

رد نکردن نظرات نادرستی که شنیده می‌شود و حتی اظهارات عناصر ضدانقلابی را شنیدن ولی گزارش ندادن و در عوض با خون‌سردی به آنها برخورد کردن، که گویا اصلاً اتفاقی نیافتاده است. این است ششمین شکل ظهور لیبرالیسم.

درمیان توده‌ها بودن ولی تبلیغ و تهییج نکردن، در جلسات صحبت نکردن، تحقیق نمودن، ازوضع توده‌ها سوال نکردن، به درد توده‌ها نرسیدن و در برابر توده‌ها بی‌تفاوت بودن. فراموش کردن این موضوع که رفتار یک کمونیست با اشخاص معمولی یکسان نیست. این است هفتمین شکل ظهور لیبرالیسم.

در برابر اعمال کسی که منافع توده‌ها را پایمال می‌کند، خشمگین نشدن، تذکر ندادن، جلوی او را نگرفتن و برای او دلیل و منطق نیاوردن، بلکه او را به حال خود رها کردن. این است هشتمین شکل ظهور لیبرالیسم.

با علاقه کار نکردن، برنامه معین و جهت مشخصی نداشتن، بلکه بدون تفکر و سرسری کار کردن - «تا زمانی که انسان راهب است، کارش فقط به صدا درآوردن ناقوس است». این است نهمین شکل ظهور لیبرالیسم.

مبارزه با لیبرالیسم

خود را به عنوان شخصی که خدمات عظیمی در راه انقلاب انجام داده به حساب آوردن و به سابقه‌ی خود نازیدن. شایستگی انجام وظایف مهم را نداشتن ولی ماموریت‌های کوچک را عار دانستن. درکار لاقیدی و در تحصیل سستی از خود نشان دادن. این است دهمین شکل ظهور لیبرالیسم.

به خطاهای خود آگاه بودن ولی تلاشی برای اصلاح آن‌ها نکردن. روش لیبرالی در رابطه با خود اتخاذ کردن. این است یازدهمین شکل ظهور لیبرالیسم.

البته می‌توان موارد دیگری نیز برشمرد، اما این یازده مورد انواع عمده‌ی آن است.

این‌ها همه اشکال ظهور لیبرالیسم هستند.

لیبرالیسم در یک جمع انقلابی پدیده‌ای است بسیار زیان‌بخش، به منزله‌ی خوره‌ای است که یک‌پارچگی و وحدت را به تدریج از بین می‌برد، پیوندها را می‌گسلد و موجب بی‌تفاتی و اختلاف‌نظر می‌شود. لیبرالیسم بر باد دهنده‌ی تشکیلات محکم و انضباط پولادین در صفوف انقلابی است، مانع اجرای کامل رهنمودهای سیاسی می‌شود و بالاخره سازمان‌های حزبی را از توده‌هایی که

مبارزه با لیبرالیسم

تحت رهبری حزب قرار دارند، جدا و دور می‌سازد. این گرایش فوق‌العاده بدی است.

لیبرالیسم از خودخواهی خرده‌بورژوازی سرچشمه می‌گیرد که منافع شخصی را بر مصالح انقلاب مقدم می‌شمارد. به طوری که این خود موجب سر بلند کردن لیبرالیسم ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی می‌گردد.

لیبرال‌ها به مارکسیسم به دید دگم‌های خشک تجریدی می‌نگرند. آن‌ها مارکسیسم را می‌پسندند ولی حاضر نیستند آن را به مرحله‌ی عمل درآورند و یا آن را به طور کامل به عمل درآورند؛ آن‌ها حاضر نیستند مارکسیسم را جایگزین لیبرالیسم خود نمایند. این اشخاص هم صاحب مارکسیسم خاص خود هستند و هم لیبرالیسم خویش را حفظ می‌کنند؛ آن‌ها از مارکسیسم دم می‌زنند ولی به شیوه‌ی لیبرالیسم عمل می‌کنند؛ در مورد دیگران مارکسیسم را به کار می‌بندند ولی در مورد خود لیبرالیسم را. هر دو جنس را در انبان خود نگه می‌دارند و برای هر کدام هم مورد استفاده‌ای پیدا می‌کنند. چنین است شیوه‌ی تفکر برخی افراد.

لیبرالیسم از تبلورات اپورتونیسیم است و از اساس با مارکسیسم در تضاد است. لیبرالیسم پدیده‌ایست منفی که اثرش به طور عینی فقط کمک به دشمن است،

مبارزه با لیبرالیسم

به همین جهت است که دشمن از وجود لیبرالیسم در میان ما خرسند می‌گردد. این است ماهیت لیبرالیسم؛ لیبرالیسم را در صفوف انقلاب به هیچ‌وجه جایی نیست.

ما باید در پرتو روح مثبت مارکسیسم بر لیبرالیسم که منفی است، غلبه کنیم. یک کمونیست باید رک، صادق و فعال باشد، مصالح انقلاب را هم‌چون جان خود با ارزش بداند و منافع شخصی را تابع مصالح انقلاب نماید؛ او باید همیشه و در همه‌جا بر روی اصول صحیح پافشاری کند و علیه هر گونه فکر و عمل نادرست به طور خستگی‌ناپذیر مبارزه کند، تا آن که زندگی جمعی حزب را مستحکم و رابطه حزب را با توده‌ها قوی‌تر کند؛ او باید به حزب و توده‌ها بیش‌تر از هر شخص دیگری توجه کند؛ باید به دیگران نیز بیش‌تر از شخص خود توجه کند. تنها در این صورت است که می‌توان او را کمونیست نامید.

همه‌ی کمونیست‌های وفادار، صادق، فعال و شرافتمند باید برای مبارزه علیه گرایش‌های لیبرالی برخی از افراد متحد شوند و بکوشند آنان را به مسیر درست هدایت کنند. این یکی از وظایف ما در جبهه مبارزه‌ی ایدئولوژیک است.